

روشهای نوین آموزش در دانشگاه حکمت بنیان (با نگاهی به نقش دانشگاههای غیر دولتی)

قاسم محمدی نژاد، صدیقه علیپور

استاد گروه مهندسی تولید و ژنتیک گیاهی دانشگاه شهید باهنر کرمان

Email: mohammadinejad@uk.ac.ir

دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید باهنر کرمان

Email: salipoor@uk.ac.ir

چکیده

در عصر حاضر، نظام آموزشی دانشگاهها با چالشهای متعددی روبرو است که کارآمدی روشهای سنتی تدریس را زیر سوال میبرد. به همین منظور، روشهای نوین آموزش در دانشگاه با هدف ارتقای کیفیت یادگیری و پاسخگویی به نیازهای دانشجویان امروزی و در راستای توسعه ملی کارآمد هستند. این مقاله می کوشد با روش توصیفی - تحلیلی ضمن بررسی ابعاد مختلف روشهای نوین آموزش در دانشگاه تمدن ساز حکمت بنیان، به تحلیل نقش دانشگاههای غیر دولتی در پیاده سازی این روشها بپردازد. بنا بر نتایج به دست آمده، دانشگاههای غیر دولتی با وجود چالشهای منابع مالی و معضلات دیگر، به دلیل انعطاف پذیری در تصمیم گیری های دور از بروکراسی و ارتباط مفید با ذی نفعان برنامه های آموزشی، نقشی کلیدی در تحول آموزش دانشگاهها دارند. آنها می توانند با همدلی و هم افزایی با دانشگاههای دولتی به ارتقای فرهنگ نوآوری و پذیرش تغییر در روشهای آموزش، ارتقای سطح آموزش و پژوهش ملی و در نتیجه موفقیت دانشجویان در دنیای کار و زندگی کمک کنند.

کلمات کلیدی: آموزش عالی، روشهای نوین آموزش، استاد شاگردی، برنامه محوری، ارزیابی عملکرد، دانشگاههای غیر دولتی

مقدمه

دانشگاه حکمت بنیان، دانشگاهی کارآمد، نیاز محور و پویا است که با هم آیی قدرت تکنولوژی، علم و عقلانیتی باورمند(میری و دیگران، ۱۴۰۲: ۲۶)، ضمن واکاوی و کشف ظرفیت‌ها، استعدادها و امکانات زیست‌بومی، صنعت، جامعه، هنر، فرهنگ و غیره برای پاسخگویی به نیازهای جامعه، کشور و بشر به معنای کلی در نظام هستی تلاش می نماید و با همین هدف به تعلیم و تربیت دانشجویانی بپردازد که آینده سازان نظام زندگی انسانی - الهی باشند. پس آموزش این دانشگاه باید بکوشد تا علاوه بر اهمیت دادن به حکمت و عقلانیت دینی در محتویات آموزشی، آموزشی کارآمد و نافع خیر جامعه و کشور ارائه دهد و این امر مستلزم تغییر و اصلاح روش های آموزش بر اساس روشهای نوین است.

بیان مساله

آموزش نوین بایستی بر پایه فنون اندیشیدن درباره واقعیات زندگی برای دست یافتن زندگی در خور شأن انسان اشرف مخلوقات «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا» (۷۰) و به راستی ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم و آنان را در خشکی و دریا ابر مرکبها[برنشاندیم و از چیزهای پاکیزه به ایشان روزی دادیم و آنها را بر بسیاری از آفریده‌های خود برتری آشکار دادیم (۷۰ اسرا:)] و درک مفهوم حقیقت حیات و نظام هستی و شناخت و باورمندی آفرینشگر این نظام. برای دست یافتن به چنین موضعی، تحول در آموزش دانشگاه امری ضروری است. در زیر می کوشیم تا ضمن بررسی مؤلفه های مهم به تشریح روشهای نوین آموزش بپردازیم.

مؤلفه های آموزش نوین

اصلی ترین مؤلفه های آموزش نوین عبارتند از:

۱-۳. عقلانیت و اخلاق محوری

ضلع سوم ابعاد وجودی انسان اخلاق است که از تعامل عاطفه و عقل او حاصل می گردد. در قرآن شریف آمده است: «وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا ، فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا ، قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّيْهَا وَ قَدْ خَابَ مَنْ دَسَّيْهَا»: قسم به نفس انسان و آن خدایی که او را به طور کامل آفرید ؛ پس پلیدی ها و خوبی ها را به او الهام کرد. به تحقیق رستگار شد انسانی که نفس خویش را تزکیه نمود و بدبخت شد کسی که نفس خود را تزکیه نکرد (شمس / ۱-۷). از آنجا که ارزش ها با واقعیت ها مرتبط اند ، کسی که دارای ارزش اخلاقی مثبت باشد

از نظر تکوینی نیز دارای کمال بیشتری است (مصباح یزدی، ۱۳۶۷: ص ۳۷۹). در خزانه حق تبارک و تعالی جوهری گرانبهاتر و موجودی زیباتر از آنچه بعنوان امانت به انسان اهداء شده یافت نمی گردد. این جوهر جز لطیفه سیار و تطور پذیر انسانیت چیز دیگری نیست. لطیفه انسانیت گوهری است که همواره برای خروج از هر گونه حد و قید و وصول به عالم اخلاق آماده می باشد (ابراهیمی دینانی ، ۱۳۷۹: ص ۴۶۹).

. آنچه در راهبرد کلی این الگو واره به طور برجسته دیده می شود، سوق یافتن دانشگاهها به سمت آموزشی مبتنی بر ارزش های اخلاقی و معنوی با آرمان توسعه حکمت و بالندگی فرهنگ ایرانی – اسلامی برای راه یافتن به مدینه فاضله اسلامی است. در جامعه اسلامی، سعادت انسانها در عمل خیری است که با فضیلت اخلاق نیک که مبتنی بر سازه تقوا است، همراه باشد و برتری و شایستگی نهایی شهروندان جامعه سعادت مند از طریق ارزیابی میزان تقوای آنها مشخص می گردد؛ نه بر میزان برخورداری صرف از عقلانیت و دانش؛ چنانکه در آیه شریفه معروف آمده است: «انّ اکرمکم عندالله، اتقکم» (حجرات/ ۱۳). لذا سعادت مطلق انسان در گروه استفاده از عقلانیتی خردورزانه و دانش بنیان است که انسان را به کمک تقوا به مرتبه الوهیت و تخلّق به اخلاق الهی نزدیک نماید تا جایی که بتواند در مرتبه جانشینی پروردگار در روی زمین قرار بگیرد؛ آنطور که خداوند متعال در قرآن شریف فرموده است: «انّی جاعل فی الارض خلیفه». (بقره/ ۳۰)؛ بنابراین به روز رسانی محتوای آموزشی و آمیختن آن با حکمت و اخلاقیات که در سایه علم کمرنگ شده است، از ضروریات جوامع متمدن است. ایده دانشگاه حکمت بنیان در خصوص اصلاح نظام آموزشی در همین راستا شکل گرفت تا برای تحقق آرمان اسلامی شدن دانشگاهها، علاوه بر دانش گرایی و تخصص گرایی، تعلیم و آموزه های دینی را نیز سرلوحه الگوی آموزشی خود قرار دهد (ر.ک: علیپور، ۱۴۰۲: ۱۴۶۲).

۳-۲. مربی گری و منتورینگ

خداوند متعال در قرآن کریم چنین نازل فرموده است: «لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَ يُزَكِّيهِمْ وَ يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ...» (سوره آل عمران/ ۳) «خدا بر اهل ایمان منت گذاشت که رسولی از خودشان در میان ایشان برانگیخت تا بر آنها آیات خدا را تلاوت کند و نفوسشان را از هر نقص و آلایش پاک گرداند و به آنها کتاب و حقایق حکمت را بیاموزد.» آن طور که از این آیه مبارک بر می آید، و چنانکه علامه طباطبایی در تفسیر المیزان، تزکیه را با مفهوم پاکی در اعتقادات و پاکی از اعمال رذیله و غیره (طباطبایی، بی تا: ۲۱۷)؛ لذا اصطلاح تربیت که برخاسته از مفهوم تزکیه است

بر تعلیم تقدم پیدا می کند. و با این تفسیر در نظام آموزشی، جایگاه مربی گری پیش از تعلیم و تعلّم واقع می گردد.

از مهمترین مؤلفه های مربی گری که در نظام فکری اسلام بر شمرده شده، تربیت دینی الهی، تربیت اخلاقی، آموزش علم و دانش، اصلاح فرد و به تبع آن جامعه است (ر.ک: .سوره هود/ آیه ۲ ، سوره طه/ آیه ۴۴، سوره زمر/ آیه ۹، سوره هود/ آیه ۸۸).

در روش های نوین آموزش، مربی گری که عموماً با واژه منتورینگ همراه است؛ به عنوان یک الگوی فرهنگی - ارتباطی شناخته شده که بر رشد فراگیر و افزایش عملکرد یا به عبارتی توانمندی او تأثیر می گذارد. دو فرایند مهم ارتباطی که از مربی گری بروز می کند؛ یکی مدیریت استعداد و دیگری تقویت بهره وری است که البته مورد دوم پیامدهای توسعه ای فرا سازمانی را به دنبال خواهد داشت (داستانی و دیگران، ۱۳۹۸: ۲۶۱-۲۸۸)؛ پس از این جهت می توان از مربی گری به عنوان یک الگوی تحول و توسعه یاد کرد که هم به توسعه نظام انسانی و هم به توسعه نظام اجتماعی و ملی توجه دارد. پیوند مربی گری با عقلانیت حکمی از اینرو تعبیر پیدا می کند.

شاخصه اصلی استادی: مربی گری و منتورینگ



❖ یکی از مهمترین شاخصه های دانشگاه حکمت بنیان،

ایدئولوژی است.

با اتکا به مفهوم واژه ترکیه در آیه شریفه... و بر تهم و بقمکم! کتاب و الحکمه (آل عمران: ۱۶۴)،

❖ مربی گری باید علاوه بر تقویت هوش های عقلانی،

جسمی و عاطفی، به ارتقای هوش معنوی، توجه

و نوزده ای داشته باشد.

از طریق فرا دروس و فرا برنامه شناختی از مهمترین مؤلفه های مربی گری که در نظام فکری اسلام بر شمرده شده، تربیت دینی الهی، تربیت اخلاقی، آموزش علم و دانش، اصلاح فرد و به تبع آن جامعه است (ر.ک: .سوره هود/ آیه ۲، سوره طه/ آیه ۴۴، سوره زمر/ آیه ۹، سوره هود/ آیه ۸۸). در روش های نوین آموزش، مربی گری و منتورینگ به عنوان یک الگوی فرهنگی - ارتباطی، بر رشد فراگیر و افزایش عملکرد و توانمندی او تأثیر می گذارد و پیامدهای توسعه ای فرا سازمانی را به دنبال خواهد داشت.

9

استراتژی آموزش حکیمانه

همانطور که در بالا ذکر شد، آموزش حکیمانه بر پایه عقلانیت استوار است و هدف آن ایجاد انقلابی فکری، فلسفی و فرهنگی در نقش و مأموریت دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی است. با این هدف، به منظور

توسعه و پرورش حکمت در ذی نفعان، باید در روش آموزش، پژوهش، خلاقیت و نوآوری و کارآفرینی تحول ایجاد شود تا دانشگاه بتواند بعنوان بستری مناسب برای دستیابی به جامعه ای حکیمانه و در تعاقب آن دنیایی حکیمانه، نقشی حیاتی داشته باشد (صمدی میارکلایی و صمدی میارکلایی، ۱۳۹۸: ۴۴). استراتژی کلی آموزش حکیمانه، با توجه به ساحت‌های هشت‌گانه: انسان و جامعه، تاریخ و فرهنگ، ارزش‌ها (مادی و معنوی)، غایت‌نگری و دین‌گرایی، سلامت جسم و روان، هنر و زیبایی، علم و معرفت، نقد و ارزیابی در استراتژی مدیریت نیت‌مند (اسلامی و حکمی شدن دانشگاه)، قابل تأمل و بررسی است.

برای تحقق این امر در دو زمینه تحول الزامی است:

۴-۱. محتوای نوین درسی

یکی از مهمترین مؤلفه های آموزش نوین، تقسیم سرانۀ مطالعه درسی است که البته می توان با توجه به هوشهای چندگانه انسانی (IQ, EQ, SQ) مورد مطالعه قرار داد. بر اساس این ایده موارد زیر برای سرانۀ مطالعه درسی پیشنهاد می شود:

۱. دروس شناختی-ایدئولوژیکی. ۲. دروس عمومی مهارتی ۳. دروس تخصصی پایه ۴. دروس تخصصی اصلی ۵. دروس تخصصی مهارتی؛ به‌علاوه برنامه های فرادروس در برنامه و خارج از برنامه.

همچنین پیشنهاد می شود، شرط ورود به تحصیل، نتایج ارزیابی آموزش دروس شناختی ایدئولوژیکی و برخی از دروس تخصصی پایه در سال اول باشد.

سرانۀ محتوای ایدئولوژیکی در کنار دروس و محتواهای تخصصی-علمی و مهارتی بر عقلانیت حکیمانه تأکید دارد. اغلب متفکران بزرگ جهان به عقلانیتی تأکید می کنند که انسان را با بهره گیری از امکانات هستی به سوی زیستی ارزشمند هدایت کند؛ چنانکه لاهیجی در گلشن راز اشاره می کند: «چون موجودات بأسرها مظهر حقیقت انسان واقع شده اند و اصل انسانی است که به صورت همه ظهور یافته است. پس همه اشیاء نسبت به انسان، همچون بدن باشند و انسان کامل جان همه باشد و چون جان و روح جمیع موجودات، پرتو خورشید حقیقت انسانی است، علم، شعور و ادراک، همه مستند و مستفاد از اوست... لاجرم همه اشیاء مسخر امر انسان کاملند: «سَخَّرَ لَكُم مَّا فِی السَّمَوَاتِ وَمَا فِی الْأَرْضِ جَمِيعاً»؛ لذا انسان مغز و خلاصۀ عالم است و نسبت او با دوایر افلاک همچو مرکز است و عالم گرد انسان برآمده و پیرامن او می گردند.» و انسان در صدد شناخت جهان، هستی و در نتیجه امر متعالی است.

پس آموزش نوین و حکیمانه ضمن پویایی و کارآمدی، باید در بروز رسانی محتواها و واحدهای معرفتی – شناختی نیز کوشا باشد. از جمله عناوین پیشنهادی این مقاله در راستای محتوای معرفتی منطبق با دانشهای نوین؛ نظیر: معرفت شناسی اسلامی، انسان شناسی اسلامی، پدیدارشناسی علوم با نگرش اسلامی، ادبیات حکمی، تاریخ تمدن اسلامی، اخلاق کاربردی اسلامی در نظام آموزشی دانشگاه‌هاست.

محتوای آموزشی

واحدهای درسی عمومی باید منطبق با دانشهای نوین و در جهت تقویت تفکر و ذوق دانشجویان باشد.



۴-۲. روش های نوین آموزشی

در رویکرد سنتی به تدریس، بیشتر زمان کلاس با سخنرانی استاد و دانشجویان در حال تماشا و گوش دادن می گذرد. دانش جویان به صورت انفرادی روی تکالیف کار می کنند و از همکاری دلسرد می شود. روش های تدریس یادگیرنده محور تمرکز فعالیت را از معلم به یادگیرندگان تغییر می دهد. البته این موضوع مشروط به این است که استاد صاحب کرسی در آموزش حکیمانه، علاوه بر آموزش تخصص به مربی گری اهمیت دهد. در چنین دانشگاهی مسلماً آموزش دهنده و آموزش گیرنده هردو می توانند بر یکدیگر تأثیر بگذارند. هدف اصلی این فرایند، نافع بودن آموزش است.

در زیر به بررسی دو روش پیشنهادی آموزش دانشگاه حکمت بنیان می پردازیم:

۴-۲-۱. روش استاد و شاگردی

در مباحث انسان شناسی اجتماعی، فرد در ارتباط با گروه قابل شناسایی است؛ چنانکه جامعه شناسان معاصر، معتقداند که رفتار انسانی زمانی اجتماعی است که فرد رفتار دیگران را، به حساب آورد و ویتگنشتاین در بحث حکمت و رابطه آن با انسان اجتماعی، وقتی از ماهیت قاعده مندی کردارهای انسان

صحبت می کند؛ تأکید دارد که رفتار انسانی از طریق کنشهای مجزای افراد دانسته نمی شود؛ مگر اینکه در زمینه کلی اجتماعی واقع گردد (ر.ک: علیپور و امیری خراسانی، ۱۳۹۲: ۱۰۷-۱۰۶). حالت هایی که در برخورد با افراد یا اشیاء در انسان برانگیخته می شود، تحت تأثیر یک نیرویی است که خود دو گونه است: امکان دارد موجب تمایل انسان به طرف آنها شود؛ مانند: محبت و میل به احسان و نیکی یا ممکن است موجب تنفر و دوری انسان شود؛ مانند: حسادت، کینه و بغض. از قسمت اول به عواطف مثبت و از قسمت دوم به عواطف منفی تعبیر می کنند. افعالی که به دنبال پیدایش این نیروها از انسان سر می زند، مستقیماً متوجه دیگران است (جمشیدی و دیگران، ۱۳۸۲: ۱۴۱)؛ لذا تعهد و مسئولیت پذیری استاد و شاگرد مهمترین اصل در روش آموزش موفق است تا هر کدام بتوانند در جایگاه خود موجب خیر و منفعت عمومی باشند. از گذشته تا به اکنون روش های آموزش و یادگیری مختلفی در دانشگاهها تجربه شده است. در زیر روشهای پویا و تأثیر گذار برای آموزش نوین پیشنهاد می گردد:

یادگیری فعال: که در آن دانشجویان مسائل را حل می کنند، به سؤالات پاسخ می دهند، سؤالات خود را تنظیم می کنند، بحث می کنند، توضیح می دهند، مناظره می کنند یا در طول کلاس طوفان فکری می کنند.

یادگیری مشارکتی: که در آن دانشجویان به صورت تیمی روی مسائل و پروژهها تحت شرایطی کار می کنند که هم وابستگی متقابل مثبت و هم مسئولیت پذیری فردی را تضمین می کند و در عین حال به ایجاد تفکر انتقادی در محیط آموزشی کمک می کند. بسیاری از پژوهشگران ارتباط بین تفکر انتقادی با حل مسأله، تفکر خلاق، تفکر منطقی و فراشناخت را برجسته می دانند و همچنین بر این باورند که حقیقت جویی، تحلیل نظام داری، اعتماد به نفس، پیگیری و رشد یافتگی نیز از زمینه های مرتبط با آموزش همگام با تفکر انتقادی هستند (ر.ک: حسینی، ۱۳۸۸: ۲۰۰).

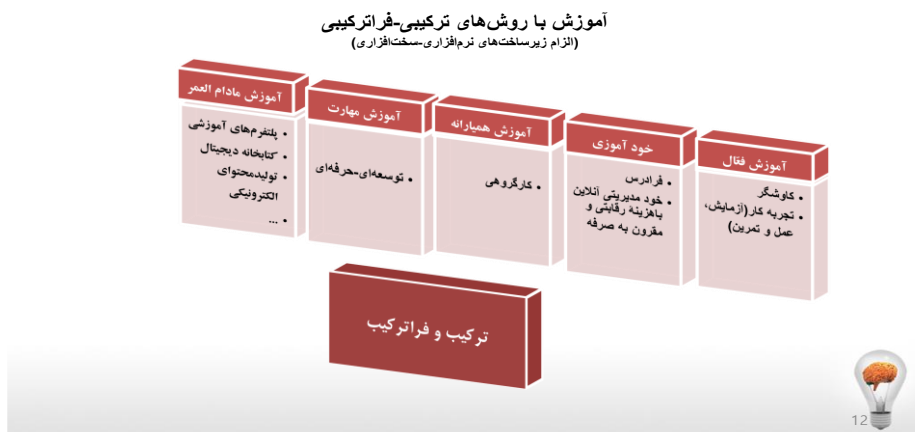
یادگیری القایی: که در آن ابتدا دانشجویان با چالش هایی مواجه می شوند. روش های استقرایی شامل یادگیری مبتنی بر تحقیق، آموزش مبتنی بر مورد، یادگیری مبتنی بر مسئله، یادگیری مبتنی بر پروژه، یادگیری کشفی و آموزش به موقع است.

یادگیری تجربی: یادگیری تجربی به شکل اثر بخش از طریق تجربه عینی حاصل می شود. این نوع یادگیری، بر مهارتهای حل مسأله و تفکر انتقادی متمرکز است (با شکوه اجیرلو، و قاسمی همدانی، ۱۴۰۲: ۵۸).

یادگیری مهارتی: به فراگیری دانش و مهارت برای انجام یک کار خاص انجام می شود و بیشتر به کاربرد عملی دانش توجه دارد. این نوع یادگیری علاوه بر تنوع روشهای آموزشی قابلیت انطباق با نیازهای بازار را

دارد. مک پرسون دانش افزایی را در کنار مهارت آموزی در اثر بخش نمودن آموزش بسیار مؤثر می داند. از نظر او اثر بخشی از طریق انطباق انتظارات و دریافت مهارت، قابل تحلیل است (Mc person, 2012: 167).

ترکیب و فرا ترکیب: در روش ترکیب، از ترکیبی از روش‌های آموزشی حضوری، مجازی و از راه دور برای ارائه آموزش استفاده می‌شود. این امر به دانشجویان انعطاف‌پذیری بیشتری در زمان و مکان یادگیری می‌دهد و به آنها اجازه می‌دهد تا با توجه به سبک یادگیری خود، روش مناسب را انتخاب کنند. منظور از روش فراترکیب، گردآوری مطالعات کیفی موجود، آموزش تفسیری، تحلیلی و تطبیقی آنها برای دست یافتن به کشفیات تازه و حل مسائل موجود است (برای مطالعه بیشتر ر. ک: روش شناسی فراترکیب و کاربرد آن در سیاستگذاری عمومی، یحیی کمالی، ۱۳۹۶).



۴-۲-۲. برنامه محوری

دانشگاه حکمت بنیان تلاشی است برای آموزش انسانهایی که بر مبنای هدف فلسفی حکمت به زندگی عقلانی با سعادت، سلامت روانی و جسمانی، رفاه و شکوفایی، درک معنویات و همزیستی همدلانه دست یابند. لذا دانشگاه حکمت بنیان با توجه به این اهداف می‌کوشد تا روشهای آموزش و پژوهش را برای تحقق این هدف تغییر دهد و دانش حکیمانه را برای حل پرسش‌های بی نتیجه علم به کار گیرد.

در آموزش برنامه محور، استادان و دانشجویان از آزادی عمل بیشتری برخوردارند. استادان در انتخاب موضوعات تحقیقی و تدریس محتوا و واحدهای درسی خود آزاد هستند و دانشجویان در کلاسهای درس شرکت می‌کنند و در تصمیم‌گیری درباره برنامه درسی، مشارکت دارند. بر اساس این روش، منابع زیادی

به تحقیقات اختصاص داده می شود و زیرساختهای لازم خود را می طلبد. چالش های اصلی این روش، نیاز به منابع، نیاز به تغییر در فرهنگ آموزش دانشگاه و نیاز به آموزش استادان است.

از جمله اهداف برنامه محوری دانشگاه حکمت بنیان می توان به موارد زیر اشاره کرد:

توسعه و تقویت مطالعات میان رشته ای و فرا رشته ای

توسعه و تقویت مهارت آموزی و کارآفرینی

توسعه و تقویت تولیدات علم و فناوری نافع بشر

توسعه و تقویت ارتباط تعاملی دانشگاه با صنعت برای تقویت کیفیت تولیدات

توسعه و تقویت ارتباط تعاملی دانشگاه با جامعه برای حل معضلات و مشکلات

توسعه و تقویت پیوند علم با حکمت برای تقویت مبانی اعتقادی - دینی

حذف سوداگری و توسعه خیر کثیر میتنی بر فرامین قرآنی برای دست یابی به تمدن اسلامی

ارزیابی آموزشی

ارزیابی در آموزش دانشگاه، فرآیندی نظام مند برای جمع آوری، تجزیه و تحلیل و تفسیر اطلاعات به منظور تعیین میزان دستیابی دانشجویان به اهداف آموزشی است. این اطلاعات برای تصمیم گیری در مورد فعالیت های آموزشی استادان و تلاش های یادگیری دانشجویان و همچنین سنجش کیفیت برنامه های آموزشی و یادگیری به کار گرفته می شود.

اهداف ارزیابی در آموزش دانشگاه:

سنجش میزان یادگیری دانشجویان

ارائه بازخورد به دانشجویان

ارتقای انگیزه دانشجویان

بهبود تدریس

تعیین کیفیت برنامه های آموزشی و اصلاح برنامه در صورت نیاز

با توجه به تحولات آموزشی در دانشگاه استفاده از سه روش ارزیابی پیشنهاد می گردد:

۵-۱. ارزیابی تکوینی

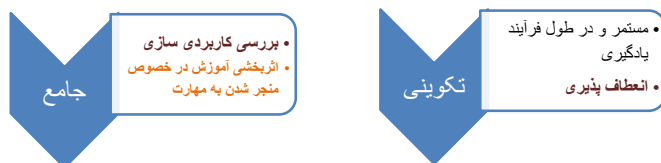
ارزیابی تکوینی نوعی از سنجش است که در حین فرآیند یادگیری انجام می‌شود. هدف از این نوع ارزیابی، جمع‌آوری اطلاعات در مورد پیشرفت دانش‌جویان و ارائه بازخورد به آنها برای کمک به بهبود یادگیریشان است. برخلاف ارزیابی پایانی که در پایان یک دوره یا واحد آموزشی انجام می‌شود، ارزیابی تکوینی به طور مستمر و در طول فرآیند یادگیری انجام می‌شود. این امر به استادان و دانش‌جویان کمک می‌کند تا از نقاط قوت و ضعف خود آگاه شوند و در صورت نیاز، در روش‌های تدریس و یادگیری خود تغییراتی ایجاد کنند. مهمترین ویژگی این نوع ارزیابی، انعطاف‌پذیری است. (برای مطالعه بیشتر ر. ک: مقاله‌های «ضرورت ارزشیابی تکوینی در نظام آموزشی، فاطمه محمود زاده و رمضان محمودی، ۱۳۸۷» و «بررسی اثر ارزشیابی تکوینی بر پیشرفت دانشجویان، حسین سپاسی، ۱۳۸۲».

۵-۲. ارزیابی جامع

ارزیابی جامع یک رویکرد بین رشته‌ای برای ارزیابی بر مبنای ترکیب، تفسیر و انتقال دانش از رشته‌های مختلف علمی به جامعه است. ارزیابی جامع اطلاعات موجود را برای روشن کردن مسئله، ارزیابی راه حل‌های بالقوه و تصمیم‌گیری‌های کلی هدایت می‌کند. این فرآیند مجموعه متنوعی از ذینفعان را برای ایجاد همکاری تولید اطلاعات قابل استفاده، ترویج همکاری و ایجاد توافق در مورد مسئله مرکزی راهنمایی می‌کند.

یکی از رویکردهای ارزیابی کارآمدی است که امکان آسیب‌شناسی و بازطراحی جامع از نحوه اجرای برنامه‌ها را برای طراحان و سایر دست‌اندرکاران را میسر می‌سازد؛ لذا در فرایند ارزیابی آموزش نوین، ارزیابی جامع، ضمن اینکه مطلوبیت برنامه‌های آموزشی را بر اساس آموزش برای منجر شدن به مهارت و کاربردی سازی آن بررسی می‌کند، این فرصت ارزشمند را پدید می‌آورد تا یک تصویر روشن از میزان ثمربخش بودن آموزش ارایه نماید (برای مطالعه بیشتر: رو ک: مقاله‌های «ارزیابی جامع مطلوبیت برنامه‌های تربیتی - آموزشی نظامی از محمد عباسیان و رشید دانش، ۱۴۰۱» و «کاربرد مدل ارزشیابی جامع در ارزشیابی کیفیت آموزش عالی در جوامع در حال توسعه، خدایار ابیلی و حسن موفقی، ۱۳۸۱»).

ارزیابی بر اساس عملکرد آموزشی



- بررسی کاربردی سازی
- اثربخشی آموزش در خصوص
- منجر شدن به مهارت

- مستمر و در طول فرایند یادگیری
- انعطاف پذیری



14

نقش دانشگاه‌های غیر دولتی در پیاده سازی روشهای نوین آموزش

دانشگاه‌های غیر دولتی می‌توانند برنامه‌های درسی خود را به گونه‌ای طراحی کنند که مهارت‌های مورد نیاز بازار کار را به دانشجویان ارائه دهند. این امر به افزایش اشتغال‌پذیری فارغ‌التحصیلان و آمادگی آنها برای ورود به دنیای کار کمک می‌کند. دانشگاه‌های غیر دولتی علاوه بر اینکه می‌توانند طیف وسیعی از برنامه‌های آموزشی را در مقاطع مختلف تحصیلی (کارشناسی، کارشناسی ارشد، دکتری) و به صورت حضوری، مجازی و یا ترکیبی ارائه دهند، بخاطر انعطاف‌پذیری در برنامه‌ها و سیاستهای اجرایی و از طرفی بخاطر استقلال مالی به موارد زیر نیز توجه داشته باشند:

جلب مشارکت ذینفعان مختلف: دانشگاه‌های غیر دولتی می‌توانند با جلب مشارکت ذینفعان مختلف مانند دانشجویان، کارفرمایان، و اعضای جامعه، در طراحی و اجرای برنامه‌های آموزشی خود، کیفیت و آنها را ارتقا دهند.

تأکید بر کارآفرینی و نوآوری: دانشگاه‌های غیر دولتی می‌توانند با ایجاد مراکز کارآفرینی و ارائه دوره‌های آموزشی در زمینه کارآفرینی و نوآوری، به دانشجویان برای راه‌اندازی کسب‌وکار خود و ورود به دنیای کارآفرینی کمک کنند.

ارائه بورسیه و کمک‌هزینه تحصیلی به دانشجویان مستعد و کم‌بضاعت، جذب اساتید مجرب و صاحب‌نام از سراسر جهان، ایجاد فضای آموزشی پویا و بین‌المللی، ارتقای سطح پژوهش و تحقیقات با به‌کارگیری این

روش‌ها، تمرکز بر مهارت‌های مورد نیاز بازار کار، استفاده از فناوری‌های جدید، ایجاد هماهنگی و همکاری بین دانشگاه‌های دولتی و غیر دولتی و ارتقای فرهنگ نوآوری و پذیرش تغییر در دانشگاه‌ها.

نتیجه‌گیری

روش‌های نوین آموزش در دانشگاه افق‌های جدیدی را برای یادگیری اثربخش‌تر و جذاب‌تر به روی دانشجویان می‌گشاید. با به‌کارگیری این روش‌ها، دانشگاه‌ها می‌توانند گامی مهم در جهت تربیت نسلی نوآور، خلاق و کارآمد بردارند و به نیازهای جامعه در حال تحول امروز پاسخ دهند.

از جمله این روش‌ها می‌توان به یادگیری مبتنی بر مسئله، یادگیری تجربی، یادگیری مشارکتی و یادگیری فعال، یادگیری مهارتی، ترکیب و فرا ترکیب و حتی یادگیری الکترونیکی اشاره کرد. در روش یادگیری مبتنی بر مسئله، دانشجویان با مسائل واقعی مواجه شده و برای حل آن‌ها از دانش و مهارت‌های خود بهره می‌برند. این امر منجر به تقویت تفکر انتقادی، خلاقیت و مهارت حل مسئله در آن‌ها می‌شود. در یادگیری تجربی، دانشجویان از طریق تجربه عملی به یادگیری می‌پردازند. این روش می‌تواند شامل کارورزی، شبیه‌سازی، مطالعه موردی و فعالیت‌های عملی دیگر باشد و به درک مفاهیم انتزاعی در دنیای واقعی کمک می‌کند.

یادگیری مشارکتی، دانشجویان را به مشارکت فعال در فرآیند یادگیری ترغیب می‌کند. بحث و گفتگو، کمک متقابل و تبادل تجربه بین دانشجویان، مهارت‌های ارتباطی، کار تیمی و تفکر انتقادی آن‌ها را ارتقا می‌بخشد. در نهایت، یادگیری الکترونیکی با استفاده از فناوری‌های نوین، محتوای آموزشی را به دانشجویان ارائه می‌دهد. این روش انعطاف‌پذیری بیشتری در زمان و مکان یادگیری به دانشجویان می‌دهد. انتخاب روش مناسب برای آموزش در دانشگاه به عوامل مختلفی از جمله رشته تحصیلی، مقطع تحصیلی، تعداد دانشجویان و منابع موجود بستگی دارد. با این حال، به طور کلی، روش‌های نوین آموزش می‌توانند به ارتقای کیفیت آموزش در دانشگاه‌ها کمک کنند. مزایای روش‌های نوین آموزش در دانشگاه: افزایش تعامل، مشارکت و انگیزه دانشجویان بهبود یادگیری عمیق و پایدار تقویت مهارت‌های تفکر انتقادی، خلاقیت و حل مسئله در کنار مهارت‌های عملی در جهت آماده‌سازی دانشجویان برای ورود به بازار کار و ایجاد فضایی پویا و جذاب برای یادگیری.

دانشگاه‌های غیر دولتی در پیاده‌سازی این ایده ارزشمند، می‌توانند به عنوان نقش آفرینان کلیدی در تحول آموزش عالی و ارتقای کیفیت آن ایفای نقش کنند. البته مسلماً چالش‌هایی نیز نظیر: کمبود منابع مالی، فقدان تجارب در زمینه‌ی به‌کارگیری روش‌های نوین آموزشی، معضلات موجود در نظام آموزش عالی،

مقاومت برخی از ذینفعان در برابر تغییرات وجود دارند؛ اما راه‌حل‌هایی مانند: افزایش مشارکت بخش خصوصی در تأمین مالی دانشگاه‌های غیر دولتی، ارائه آموزش‌ها و حمایت‌های لازم در زمینه‌ی به‌کارگیری روش‌های نوین آموزشی، ایجاد هماهنگی و همکاری بین دانشگاهی دولتی و غیر دولتی، ارتقای فرهنگ نوآوری و پذیرش تغییر در دانشگاه‌ها به رفع این چالش‌ها کمک می‌کند.

در نهایت اینکه، روشهای ارزیابی تکوینی و جامع پیشنهادی این مقاله، تمرکز نظام آموزشی را از صرفاً سنجش دانش به سمت ترویج یادگیری عمیق و پایدار سوق می‌دهند. البته این نکته گفتنی است که پیاده‌سازی مؤثر این روش‌ها نیازمند برنامه‌ریزی دقیق، آموزش مناسب مدرسان و تأمین منابع و زیرساخت‌های لازم است.

پانویست:

IQ هوش کلی؛ EQ یا همان هوش هیجانی است؛ همان چیزی که براساس نظر دانشمندان می‌تواند عاملی برای موفقیت افراد باشد، همان چیزی که می‌تواند برای کنترل استرس و اضطراب به فرد کمک کند و همان چیزی که موجب می‌شود افراد در جامعه موفق‌تر عمل کنند. هوش معنوی یا SQ را باید همان توانایی دانست که به ما قدرتی برای به دست آوردن آمال و آرزوهای مثبت ما می‌دهد و تلاش و کوششی برای رسیدن به آنها در ما ایجاد می‌کند. این هوش زمینه تمام چیزهایی است که به آن‌ها معتقدیم و نقش باورها، هنجارها، عقاید و ارزش‌ها را در فعالیت‌هایی که به عهده می‌گیریم دربر می‌گیرد؛ هوشی که به واسطه آن به سؤال‌سازی در ارتباط با مسایل اساسی و مهم در زندگی می‌پردازیم و به وسیله آن در زندگی خود تغییراتی را ایجاد می‌کنیم. در حقیقت هنگامی که این سه هوش به صورت هماهنگ به کار برده شوند، ما قادر به آشکار کردن نیروهای درونی مان به طور فزاینده در دنیا هستیم (ر. ک: سهرابی، ۱۳۸۸: ۶۳-۶۶)

منابع

۱. ابراهیمی دینانی، غلامحسین. (۱۳۷۹). شعاع اندیشه و شهود در فلسفه سهروردی. تهران: حکمت.
۲. ابیلی، خدایار و حسن موفقی. (۱۳۸۱). کاربرد مدل ارزشیابی جامع در ارزشیابی کیفیت آموزش عالی در جوامع در حال توسعه. «مجله کیفیت و مدیریت»، دوره ۵، شماره ۶.
۳. با شکوه اجیرلو، محمد و قاسمی همدانی، ایمان. (۱۴۰۲). نقش مهارت‌های شخصی و کارآفرینی جهت تبدیل شدن از ترکیبی به تمام وقت با تأکید بر نظریه یادگیری تجربی. نشریه مطالعات کارآفرینی و توسعه پایدار کشاورزی، دوره ۱۰، شماره ۲، صص ۷۶-۵۷.
۴. جمشیدی، اسدالله و دیگران (۱۳۸۲)، جستاری در هستی‌شناسی زن، تهران.

۵. حسینی، زهرا. (۱۳۸۸). یادگیری مشارکتی و تفکر انتقادی. مجله روانشناسی تحولی (روانشناسان ایران)، دوره ۵، شماره ۱۹، صص ۲۰۸-۱۹۹.
 ۶. داستانی، معصومه و دیگران. (۱۳۹۸). استراتژی ها و پیامدهای به کارگیری فرهنگ مربی گری. «نشریه پژوهش های مدیریت عمومی، دوره ۱۲، شماره ۴۵.
 ۷. سپاسی، حسین. (۱۳۸۲). بررسی اثر ارزشیابی تکوینی بر پیشرفت دانشجویان. «مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، دوره ۲۰، شماره ۱، پیاپی ۳۹، صص ۱۰-۱.
 ۸. صمدی میارکلایی، حمزه و صمدی میارکلایی، حسین. (۱۳۹۸). در مسیر دانشگاه حکیمانه: سومین انقلاب علمی- دانشگاهی. نشریه سیاست نامه علم و فناوری، دروه ۹، شماره دو، پیاپی ۲۷، صص ۶۵-۴۳.
 ۹. طباطبایی، محمد حسین. (بی تا). تفسیر المیزان، جلد دوم. قم: دارالعلم.
 ۱۰. عباسیان، محمد عباسیان و رشید دانش. (۱۴۰۱). ارزیابی جامع مطلوبیت برنامه های تربیتی - آموزشی نظامی. «فصلنامه مدیریت نظامی»، شماره ۴، صص ۱۴۴-۱۰۵.
 ۱۱. علیپور، صدیقه. (۱۴۰۲). ضرورت آموزش ادبیات حکمی - اسلامی در دانشگاه حکمت بنیان. مجموعه مقالات هجدهمین گردهمایی بین المللی انجمن ترویج زبان و ادب فارسی در دانشگاه شهید باهنر کرمان. صص ۱۴۶۸-۱۴۶۰.
 ۱۲. علیپور، صدیقه و امیری خراسانی، احمد. (۱۳۹۲). تحلیل اخلاق مدارانه فضیلت مصاحبت در عرفان اسلامی؛ بویژه مثنوی (با نگاهی به حوزه انسان شناسی اجتماعی). مجله مطالعات عرفانی دانشکده ادبیات دانشگاه کاشان، شماره هفدهم، بهار و تابستان، صص ۱۲۲-۹۵.
 ۱۳. کمالی، یحیی. (۱۳۹۶). روش شناسی فراترکیب و کاربرد آن در سیاستگذاری عمومی. «نشریه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۷، شماره ۳، صص ۷۳۶-۷۲۱.
 ۱۴. محمود زاده، فاطمه و رمضان محمودی. (۱۳۸۷). ضرورت ارزشیابی تکوینی در نظام آموزشی. «مجله راهبردهای آموزش، سال اول، شماره ۲، صص ۲۷-۲۰.
 ۱۵. مصباح، محمد تقی. (۱۳۶۷). معارف قرآن. قم: مؤسسه در راه حق.
 ۱۶. میری امیر و دیگران. (۱۴۰۲). راهبردهای آموزش در دانشگاه حکمت بنیان. مجله راهبردهای آموزش در علوم پزشکی، دوره ۱۶، شماره ۱، صص ۳۱-۲۱.
 ۱۷. نسفی، عزیزالدین، الانسان الكامل، پیشگفتار هانری کرین، تصحیح و مقدمه ماریژان موله، تهران، کتابخانه طهوری و انجمن ایرانشناسی فرانسه در تهران، چهارم، ۱۳۷۷.
18. Mc person, M. (2012). Effectiveness of Training Organization, A Meta-Anaiysis of Design and Evaluation features, Journal of Applied Psychology, Vol. 97, 3, pp:166-167.